

المنق: ابن حبيب (م. ۲۴۵ق.)، به كوشش احمد فاروق، بيروت، عالم الكتاب، ۱۴۰۵ق؛ الميزان: الطباطبائي (م. ۱۴۰۲ق.)، بيروت، اعلمى، ۱۳۹۳ق؛ الوافي بالوفيات: الصفدى (م. ۷۶۴ق.)، به كوشش الارنؤوط و تركى مصطفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.

سيد محمد رضا عالمى



ابومحذوره جُمحی: مؤذن پیامبر در

مسجدالحرام پس از فتح مکه تا هنگام

درگذشتش در دهه پنجم ق.

ابومحذوره اوس بن مَعِيَر بن لوزان از تیره بنى جُمح قريش بود.^۱ در نام او اختلاف فراوان دیده می شود و مشهورترین نام های او اوس^۲ و سمره است.^۳

وی پس از فتح مکه به سال هشتم ق. مسلمان شد.^۴ برخی اسلام آوردنش را در همان سال پس از جنگ حنین دانسته اند.^۵ در چگونگی اسلام آوردن وی گفته اند: پس از فتح حنین، همراه گروهی از کودکان یا جوانان^۶ برای تمسخر پیامبر ﷺ نزد ایشان آمد

(م. ۱۰۴۴ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ق؛ السيرة النبويه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به كوشش محمد محيى الدين، مصر، مكتبة محمد على صبيح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ سيرت رسول الله ﷺ: رفيع الدين اسحاق بن محمد قاضى ابرقوه (م. ۶۲۳ق.)، به كوشش مهدوى، تهران، خوارزمى، ۱۳۷۷ش؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابى الحديد (م. ۶۵۶ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، دار احياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ق؛ الصحاح: الجوهري (م. ۳۹۳ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ق؛ الصحيح من سيرة النبى ﷺ: جعفر مرتضى العاملى، بيروت، دار السيرة، ۱۴۱۴ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بيروت، دار صادر؛ العين: خليل (م. ۱۷۵ق.)، به كوشش المخزومى و السامرائى، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ الفضائل: شاذان بن جبرئيل القمى (م. ۶۶۰ق.)، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۱ق؛ الكامل فى التاريخ: ابن اثير على بن محمد الجزرى (م. ۶۳۰ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ الكشاف: الزمخشري (م. ۵۳۸ق.)، مصطفى البيايى، ۱۳۸۵ق؛ كنز العمال: المتقى الهندى (م. ۹۷۵ق.)، به كوشش صفوة السقاء، بيروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بيروت، دار صادر؛ مسند الحميدى: عبدالله بن الزبير الحميدى (م. ۲۱۹ق.)، به كوشش الاعظمى، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۹ق؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانى (م. ۲۱۱ق.)، به كوشش حبيب الرحمن، المجلس العلمى؛ المعارف: ابن قتيبة (م. ۲۷۶ق.)، به كوشش ثروت عكاشه، قم، شريف رضى، ۱۳۷۳ش؛ معجم مقاييس اللغة: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به كوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبليغات، ۱۴۰۴ق؛ مناقب آل ابى طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به كوشش گروهى از اساتيد، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۷۶ق؛

۱. اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ الاستيعاب، ج ۴، ص ۱۷۵۲.

۳. الطبقات، ج ۵، ص ۷؛ الاصابه، ج ۳، ص ۱۵۳.

۴. الطبقات، ج ۵، ص ۷؛ انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۶۷.

۵. المعارف، ص ۳۰۶؛ امتاع الاسماع، ج ۱۰، ص ۱۳۴.

۶. المصنّف، ج ۱، ص ۴۵۷-۴۵۸.

و با شنیدن صدای مؤذن رسول خدا، به تمسخر اذان گفت. از آن جا که صدایی زیبا داشت، پیامبر او را فراخواند و دست مبارکش را بر سر وی کشید و برایش دعا کرد. سپس ابو محذوره اسلام آورد و تا پایان عمر، حدود ۵۰ سال، موهای جلوی سرش را به پاسداشت تبرک دستان پیامبر کوتاه نکرد.^۱ وی پس از یسادگیری اذان^{*} و اقامه، به درخواست خود، از سوی رسول خدا مؤذن مسجدالحرام شد.^۲

ابو محذوره روایت‌هایی درباره اذان از رسول خدا ﷺ نقل کرده است. در برخی از این روایات، پیامبر ﷺ بندهای اذان و اقامه را به ترتیب در ۱۹ و ۱۷ فقره به وی تعلیم فرموده است.^۳ در اذان ابو محذوره، جمله «حی علی خیر العمل» نیامده است. در برخی گزارش‌ها از وی نقل شده که رسول خدا در اذان صبح افزودن «الصلاة خیر من النوم» را به او امر کرده است.^۴ گویا در این روایت‌ها تحریف رخ داده؛ زیرا جمله «حی علی خیر العمل» چنان که نقل شده، در اذان نخستین بوده^۵ و در

زمان عمر حذف شده است.^۶ نیز «جمله الصلاة خیر من النوم» در زمان عمر به اذان افزوده شده است.^۷ به دلیل اختلاف در اذان و اقامه ابو محذوره و بلال^{*} فقیهان اهل سنت به گونه‌های مختلف نظر داده‌اند.^۸ بر پایه گزارشی، اذان بلال در نماز صبح نیز جمله «حی علی خیر العمل» داشته است.^۹

به ادعای ابو محذوره، رسول خدا منصب اذان‌گویی را به او و تیره‌اش بنی جمح و موالی آنان سپرد.^{۱۰} از این رو، وی مؤذن مسجدالحرام لقب گرفت^{۱۱} و مکیان به اذان‌گویی او افتخار می‌کردند.^{۱۲} استمرار این منصب را برای وی، فرزندان، نوادگان^{۱۳} و عموزادگان او و نیز در دیگر خاندان‌های جمحی^{۱۴} باید در سایه نصب پیامبر ﷺ دانست. گفته‌اند از همین روی، معاویه مؤذن خود را آن‌گاه که پیش از ابو محذوره در مسجدالحرام اذان گفت، به درون چاه زمزم انداخت.^{۱۵}

۶. مسند زید بن علی، ص ۹۲؛ الصحيح من سيرة النبي، ج ۴، ص ۲۸۴.

۷. مسند زید بن علی، ص ۹۳.

۸. سبل الهدی، ج ۸، ص ۸۶.

۹. کنز العمال، ج ۸، ص ۳۴۲.

۱۰. اخبار مکه، فاکهی، ج ۲، ص ۱۳۹؛ المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۷۴؛

المستدرک، ج ۳، ص ۵۱۵.

۱۱. الثقات، ج ۳، ص ۱۷۴؛ تهذیب الکمال، ج ۳۴، ص ۲۵۶.

۱۲. اخبار مکه، فاکهی، ج ۲، ص ۳۴۰.

۱۳. الطبقات، ج ۶، ص ۸؛ الثقات، ج ۳، ص ۱۷۴.

۱۴. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۵۲.

۱۵. المصنف، ج ۱، ص ۴۵۹؛ الطبقات، ج ۵، ص ۴۵۰؛ اخبار مکه،

فاکهی، ج ۲، ص ۱۴۰؛ المستدرک، ج ۳، ص ۵۱۵.

۱. المصنف، ج ۱، ص ۴۵۸-۴۵۹؛ المنتخب، ص ۶۲؛ المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۷۷.

۲. المصنف، ج ۱، ص ۴۵۸-۴۵۹؛ اخبار مکه، فاکهی، ج ۲، ص ۱۳۷؛ المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۷۰-۱۷۲.

۳. المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۷۱؛ معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۱۴۱۱.

۴. المصنف، ج ۱، ص ۴۵۹-۴۵۸؛ معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۱۴۱۲.

۵. الانتصار، ص ۱۳۶؛ السنن الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۵.

پیامبر ﷺ درباره سرنوشت آنان دانست.^۹ از این رو، نزد اهل سنت در سال وفات این سه نفر اختلاف بسیار دیده می‌شود. برخی سال وفات ابومحذوره را پس از سمره بن جندب (م. ۵۸، ۵۹، ۶۰ یا ۷۹ ق.)^{۱۱} و برخی پیش از سمره^{۱۲} و بعضی دیگر پس از درگذشت ابوهریره (م. ۵۹ یا ۷۹ ق.)^{۱۳} دانسته‌اند.^{۱۴} به هر حال، این روایت موجب نقض دیدگاه عدالت صحابه است. از همین رو، گروهی از بزرگان اهل سنت به توجیهاتی سُست و خلاف ظاهر در این زمینه دست زده‌اند. در مرحله نخست خواسته‌اند با اظهار نظرهای گوناگون درباره تاریخ مرگ این سه نفر، این موضوع در ابهام بماند. به همین منظور، در برخی روایت‌ها، نام سمره را حذف کرده و از او با عنوان «رجل آخر» یاد کرده‌اند.^{۱۵} نیز آن را حدیثی غریب شمرده و علت آن را حضور شخصی به نام سعید بن یزید بن سلمه در سند روایت می‌دانند. اما او ثقه است و روایت‌هایش در صحاح سته دیده

ابومحذوره در دوره عُمر به تشویق خلیفه، اذان ظهر را به سبب گرمای هوا به تأخیر می‌انداخت.^۱ وی هنگام طواف، حاجیان را با صدای بلند به تکبیر و تهلیل ترغیب می‌کرد.^۲ بر اساس نظر مشهور، وی به سبب داشتن منصب اذان‌گویی مسجدالحرام به مدینه نرفت و در مکه درگذشت.^۳ اما برخی از اقامت طولانی وی در کوفه^۴ و مدتی نیز در شام یاد کرده‌اند.^۵ خانه وی در مکه در محله بنی‌سهم و در مجاورت کوه قُعَیْعَان قرار داشت.^۶ درگذشت وی را میان سال‌های ۵۸ تا ۷۹ ق. دانسته‌اند.^۷ گویا این اختلاف نظر ناشی از این روایت است که رسول خدا ﷺ بر ابوهریره* و سمره بن جندب و ابومحذوره وارد شد و فرمود هریک از آن سه که دیرتر بمیرد، از جهنمیان است.^۸ این خبر را می‌توان هشدار می‌به این سه نفر و برخاسته از آینده‌نگری

۱. اخبار مکه، فاکهی، ج ۲، ص ۹۸، ۱۴۱: اتحاف الخیره، ج ۱، ص ۴۳۶.

۲. اخبار مکه، فاکهی، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳. الطبقات، ج ۶، ص ۸؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۵۴: تهذیب الکمال، ج ۳۴، ص ۲۵۹.

۴. مشاهیر علماء الامصار، ص ۵۷.

۵. معرفة الصحابه، ج ۳، ص ۱۴۱۱.

۶. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۶۴: اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۷. الثقات، ج ۲، ص ۱۷۴: الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۵۴.

۸. الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۵۴: تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۱۳۳: امتاع

الاسماع، ج ۱۲، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۹. ابوهریره، ص ۲۱۵.

۱۰. الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۵۴: اسد الغابه، ج ۲، ص ۳۵۶: الاصابه، ج ۳، ص ۱۵۰.

۱۱. الاصابه، ج ۷، ص ۳۵۶.

۱۲. انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۶۷: البدایة و النهایه، ج ۶، ص ۲۲۶: امتاع الاسماع، ج ۱۲، ص ۲۲۴.

۱۳. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۲۵: الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۵۲.

۱۴. التاريخ الكبير، ج ۲، ص ۱۹: المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۷۷.

۱۵. المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۷۷: تهذیب الکمال، ج ۳۴، ص ۲۵۷.

می شود.^۱

برخی از جمله بیهقی و ابن کثیر، برخلاف دیگران، ظاهر سخن پیامبر ﷺ را پذیرفته و آخرین نفر را سمره معرفی کرده‌اند.^۲ علامه شرف الدین درباره این روایت توضیح فراوان داده و این ابهام از طرف پیامبر را دلیل خُبث باطنی هر سه، از جمله ابو محذورہ، دانسته است.^۳

◀ منابع

ابوهریره: سید عبدالحسین شرف الدین (م. ۱۳۷۶ق.)، انصاریان، قم؛ **اتحاف الخیرة المهره**: احمد بن ابی بکر البوصیری (م. ۸۴۰ق.)، ریاض، دار الوطن، ۱۴۲۰ق؛ **اخبار مکة**: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکة، مکتبۃ الثقافه، ۱۴۱۵ق؛ **اخبار مکة**: الفاکھی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش عبدالملک، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ **الاستیعاب**: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ **اسد الغابه**: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الکتاب العربی؛ **الاصابه**: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **امتاع الاسماع**: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ **الانتصار**: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق؛ **انساب الاشراف**:

البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ **البداية و النهایه**: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ **التاریخ الکبیر**: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق؛ **تهذیب الکمال**: المزی (م. ۷۴۲ق.)، به کوشش بشار عواد، بیروت، الرساله، ۱۴۱۵ق؛ **الثقات**: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳ق؛ **سبل الهدی**: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ **السنن الکبری**: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛ **سیر اعلام النبلاء**: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ **الصیحیح من سیرة النبی ﷺ**: جعفر مرتضی العاملی، بیروت، دار السیره، ۱۴۱۴ق؛ **الطبقات الکبری**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ **کنز العمال**: المتقی الہندی (م. ۹۷۵ق.)، به کوشش صفوة السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ **المستدرک علی الصحیحین**: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مسند زید بن علی**: زید بن علی (م. ۱۲۲ق.)، بیروت، دار مکتبۃ الحیة؛ **مشاہیر علماء الامصار**: محمد بن حبان البستی (م. ۳۵۴ق.)، به کوشش مرزوق علی، دار الوفاء، ۱۴۱۱ق؛ **المصنّف**: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ **المعارف**: ابن قتیبہ (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، شریف رضی، ۱۳۷۳ش؛ **المعجم الصغیر**: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **المعجم الکبیر**: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ **معرفة الصحابة**: ابونعیم الاصفهانی

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲. البداية و النهایه، ج ۶، ص ۲۵۳-۲۵۴.

۳. ابوهریره، ص ۲۱۸-۲۱۹.

در شمار شهیدان نبرد احد، نام شهیدی از تیره بنی عمرو بن مبدول دیده می‌شود. نام این شهید را برخی ابوهبیره بن حارث گفته‌اند.^{۱۰} اما واقدی از ابواسیره به جای ابوهبیره نام می‌برد.^{۱۱} بلاذری نیز در شمار شهیدان احد از تیره بنی مبدول بن عمرو بن غنم که آن‌ها هم از بنی نجار به شمار می‌روند، از ابواسیره یاد می‌کند که به دست خالد بن ولید کشته شد.^{۱۲} واقدی درباره چگونگی شهادت وی می‌نویسد: ابواسیره با یکی از بنی عوف به رزم پرداخت و پس از چند لحظه او را از پای درآورد. در این هنگام، خالد بن ولید که در آن هنگام از مشرکان بود، در حالی که سوار بر اسب بود، با زدن نیزه‌ای از پشت سر، ابواسیره را به شهادت رساند.^{۱۳} برخی بر آنند که واقدی دچار اشتباه شده؛ زیرا شهید در احد، ابوهبیره است نه ابواسیره.^{۱۴} این گفته با توجه به دیگر منابع که ابوهبیره را از شهیدان احد شمرده‌اند، قوت می‌یابد.^{۱۵} این ابوهبیره روایتی از رسول خدا ﷺ نقل نکرده است؛ اما

(م. ۴۳۰ ق.)، به کوشش العزازی، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۹ ق؛ المنتخب من کتاب ذیل المذیل: الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، بیروت، اعلمی.

محمد رضا هدایت‌پناه



ابونمی ← آل ابی نمی

ابوهبيرة بن حارث: از شهیدان انصاری احد

ابوهبيرة بن حارث بن علقمة بن عمرو بن كعب/ثقف بن مالك^۱ را از قبیله خزرج^۲، تیره بنی عمرو بن مبدول (مالک) دانسته‌اند.^۳ این تیره از بنی نجار شمرده می‌شود.^۴ نام او را «بحیر» آورده‌اند.^۵ برخی نیز گفته‌اند: نامش ابوهبیره است.^۶ افزون بر ابوهبیره، از وی با عنوان ابواسیره^۷ یا ابوسیره^۸ نیز یاد شده است. برخی ابواسیره را برادر وی می‌دانند.^۹

۱. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تاریخ خلیفه، ص ۲۹.

۲. اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۱۷؛ تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تاریخ خلیفه، ص ۲۹.

۴. جمهرة انساب العرب، ص ۴۷۲.

۵. اسماء من يعرف بکنیته، ص ۶۱.

۶. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۶۸؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۱۷؛ الاصابه،

ج ۷، ص ۳۴۷.

۷. اسد الغابه، ج ۵، ص ۱۴، ۳۱۷؛ الاصابه، ج ۷، ص ۳۴۷.

۸. الاصابه، ج ۷، ص ۱۵.

۹. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۶۸؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۱۴، ۳۱۷؛

الاصابه، ج ۷، ص ۳۴۷.

۱۰. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تاریخ خلیفه، ص ۲۹؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۶۸.

۱۱. المغازی، ج ۱، ص ۳۰۶.

۱۲. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۶.

۱۳. المغازی، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴.

۱۴. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۹۹؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۱۸؛ الاصابه،

ج ۷، ص ۱۵.

۱۵. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تاریخ خلیفه، ص ۲۹.